

## حملات ارتش اسرائیل به نوار غزه و لبنان و برخورد شرکتهای رسانه ای

"... امشب هیچ فلسطینی در نوار غزه نباید خواب آرام داشته باشند..."

اهود هولمت نخست وزیر اسرائیل در تاریخ ۲ ماه ژوئیه ۲۰۰۶  
 "... همه سرنشینان جنوب بیروت تروریست و بایسته به حزب الا..."  
 بخشی از سخنان هایمن رامون وزیر دادگستری اسرائیل در جلسه هیئت دولت

در تاریخ ۲۵ ماه یونی نیروهای حماس طی حمله ای دو سرباز اسرائیلی را کشته و به تلافی کشتار یک خانواده فلسطینی که در ساحل نوار غزه توسط ارتش اسرائیل انجام شده بود، سرباز دیگری را به گروگان گرفتند. متعاقب این گروگان گیری توسط نیروهای شاخه نظامی حماس، ارتش اسرائیل حمله نظامی گسترده ای را به شهرکهای نوار غزه آغاز نمود. ارتش اسرائیل که از بدو انتخابات دمکراتیک فلسطین و بقدرت رسیدن حماس، شوکه شده بود، در واکنش، مبلغ ۵۰ میلیون دلار از مالیاتهای مردم فلسطین را قبضه نمود و نهایت سعی خود را برای در هم شکستن حکومت خودگردان فلسطینی بکار برد. از همین روگروگان گیری سرباز اسرائیلی را بهترین موقعیت برای در هم کوبیدن دولت خودگردان فلسطین یافت. ارتش اسرائیل ضمن کشتار مردم بی دفاع اقدام به تخریب و بمب باران بیمارستان، فرودگاه و تنها نیروگاه برق نمود تا مختصراتاسیسات زیربنایی فلسطینیان را هم به نابودی کشد. علاوه بر این حملات وحشیانه بر خلاف همه قوانین بین المللی نمایندگان انتخابی مردم فلسطین را دستگیر و زندانی کرده و ساختمانهای ادارات دولتی را یکی بعد از دیگری در نوار غزه بمب باران و تخریب نمود. این اقدام غیر انسانی دولت و ارتش اسرائیل در چند هفته گذشته جان بیش از ۱۵۰ نفر از مردم بی گناه فلسطین را گرفته و این کشتار همچنان ادامه دارد.

روزی نیست که تعداد از مردم بی دفاع فلسطین توسط ارتش اسرائیل کشته نشوند. بنا به گزارش تلویزیون الجزیره از تاریخ ۲۶ ماه ژوئیه تا ۲۸ ماه ژوئیه ۳۴ نفر فلسطینی کشته و حدود ۱۶۰ نفر زخمی شده اند ولی شرکتهای رسانه ای عامدانه چشمان خود را بر روی این کشتارها می بندند.

در تاریخ ۱۲ ماه ژوئیه نیروهای نظامی حزب الا لبنان طی حمله ای تعدادی از سربازان اسرائیلی را کشته و دو سرباز را به گروگان گرفتند. متعاقب این عمل ارتش اسرائیل حمله نظامی بسیار گسترده ای را به لبنان آغاز کرد بطوریکه تا تاریخ ۳۱ ماه ژوئیه بیش از ۷۵۰ نفر از مردم عادی لبنان که تعداد زیادی از آنها را کودکان و زنان تشکیل می دهند را به خاک و خون کشاند و هزاران نفر را زخمی و بیش از نیم میلیون از مردم این کشور را آواره نموده و این کشتار همچنان ادامه دارد. در این مدت کوتاه اسرائیل حدود ۴۳ پل، فرودگاه، نیروگاه های برق، بنادر، ساختمانهای مسکونی، سیلوهای گندم، دکلهای مخابراتی، خانه های مسکونی و غیره را بر خلاف کلیه کنوانسیونهای بین المللی بمب باران نموده است. دولت اسرائیل در این حملات از بمب های خوشه ای و بمبهای آتش زای فسفری (بمبهای که ارتش آمریکا بر علیه مردم بی دفاع فلوجا بکار برد) بر علیه مردم لبنان استفاده کرده است.

البته که موجودیت و فعالیت نیروهای بنیادگرای حماس و حزب الله خود نتیجه عملی و محصول سیاستهای ضد مردمی و نژادپرستانه اسرائیل هستند. اسرائیل تا اوایل دهه ۱۹۹۰ برای در هم شکستن جنبش ملی دمکراتیک مردم فلسطین بناوین مختلف از حماس پشتیبانی می کرد. و حزب الله محصول ۱۸ سال اشغال نظامی جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل است و نفوذ و محبوبیت سیاسی خود را از ایستادگی در برابر اسرائیل به ارمان آورده است، بطوریکه این سازمان واپسگرای اسلامی امروزه یکی از محبوبترین نیروها در جوامع عربی است. هدف این نوشتار بررسی ماهیت، سیاستها و یا تاریخچه این جریانات واپسگرا و ارتجاعی و یا ماهیت سرکوبگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل نیست بلکه هدف نشان دادن سمت گیری شرکتهای رسانه ایست که افکار عمومی را برای جنگ افروزی و بی گناه جلوه دادن دولت سرکوبگر اسرائیل آماده می کنند، می باشد.

برخورد شرکتهای رسانه ای و حتی رسانه های دولتی مانند کشورهای سوئد، دانمارک و غیره و یا نیمه دولتی مانند بی بی سی به حملات نظامی اسرائیل به نوار غزه و لبنان همگی جانبدارانه و تا حدودی غیر واقعی و به نفع اسرائیل بوده است. البته انتظاری غیر از این هم از شرکتهای رسانه ای نمی توان داشت چراکه از یکطرف این اخبار از طرف ۶ شرکت رسانه ای بزرگ (۱) رله می شوند و از طرف دیگر حیات همه این شرکتهای به تبلیغات شرکتهای بزرگ وابسته است و گفتن حقایق و یا نشان دادن خرابیهای حاصل از بمب بارانهای هواپیماهای ارتش اسرائیل و کشتار کودکان، زنان و مردم بی دفاع (۲) ممکن است باعث رنجیده خاطر نمودن صاحبان این شرکتهای شده و از دادن تبلیغات خود به این شرکتهای خودداری کنند و از جانب دیگر همگی این رسانه ها رله کننده برخورد و نظرات رسمی دولتهای مطبوع خود هستند و در این خصوص همه دولتهای غربی موضعی جانبدارانه گرفته اند. جالب توجه است که حتی دیده بانی حقوق بشر (۳) که به اصطلاح باید نهادی بی طرف باشد جانبدارانه قضاوت می کند. این نهاد در سایت اینترنتی خود در مقاله ای تحت عنوان "حمله راکتی حزب الله به حایقا بقصد کشتن مردم شلیک می شود." می نویسد: "حمله موشکی حزب الله در روز شنبه و دوشنبه به شهرهای اسرائیل عامدانه و یا غیر عمد حمله به مردم عادی قلمداد می شود، که در هر دو حالت، نقض جدی قوانین حقوق بشر بوده و احتمالا باید جنایت جنگی قلمداد می شود...." در مقالات دیگری که در باره حمله اسرائیل نوشته شده است علیرغم اینکه می نویسد حملات ارتش اسرائیل باعث کشته شدن مردم عادی شده است و اسرائیل از بمبهای خوشه ای استفاده می کند، و به مردم عادی حمله می کند... و علیرغم اینکه بدرستی می نویسد این حملات باعث آوره گی ۵۰۰۰۰۰ نفر شده است اما به نصیحت کردن و گوشزد نمودن اینکه کشتن مردم نادرست بسنده کرده و هیچ حرفی از اینکه این اقدامات احتمالا باید جنایات جنگی قلمداد شود، بمیان نمی آورند، جالب است که این نهاد این مقاله اش (۴) را نه با محکوم کردن اسرائیل که با محکوم کردن حزب الله برای حمله موشکی به شهرهای اسرائیل به پایان می برد. باید از دیدبانی حقوق بشر سوال نمود که بنظر شما چرا کشته شدن حدود ۷۵۰ نفر مردم عادی و کشتن روزانه مردم بی دفاع فلسطین، نباید جنایات جنگی خوانده شود؟ در واقع برخورد اینها مرا بیاد ضرب المثل خودمان که می گویند فلانی سنگ را بسته و سگ را رها کرده می اندازد.

اهود هولمت نخست وزیر اسرائیل در تاریخ ۲ ماه ژوئیه ۲۰۰۶ در جلسه کابینه خود می گوید: "... امشب هیچ فلسطینی در نوار غزه نباید خواب آرام داشته باشد..." در واقع این گفتار ایشان به معنی تنبیه دسته جمعی حدود یک و نیم میلیون از مردم بی دفاع فلسطین می باشد که خود نقض کامل چهارمین کنوانسیون ژنو است. البته این در حد حرف باقی نماند و ارتش اسرائیل این اقدام وحشیانه را انجام داد ولی این عمل عامدانه از دید تیزبین شرکتهای رسانه ای بدور ماند و در هیچ رسانه ای، روزنامه ای، رادیو و یا تلویزیونی پخش نشد. حالا برای یک لحظه تصور کنید که این حرف را کسی دیگر بجز نخست وزیر اسرائیل می زد اتوقت متوجه می شدید که همین رسانه ها چه هیاهویی که برپا نمی کردند و چه برنامه های مخصوصی با کارشناسان از پیش تعیین شده خود اجرا نمی کردند.

در تاریخ ۳ ژوئیه سازمان حقوق بشر اسرائیل "ب،ت،سلام" (۵) اقدام ارتش این کشور برای شکستن دیوار سوتی و تنبیهی دستجمعی مردم را سرزنش و محکوم کرده و می نویسد: " استفاده هواپیماهای جنگی برای شکستن دیوار سوتی نقض کامل چندین کنوانسیونهای حقوق بشر است. مهم ترین اینها منع مجازات دستجمعی مردم است... که قاطعانه هر گونه مجازات دسته جمعی و یا اعمال تروریستی و هر اقدام ترس آمیز را شدیداً منع می کند."

شرکتهای رسانه ای در گزارشات خود در مورد غزه و یا لبنان چنان وانمود می کنند که مثل این است که تاریخ در گریبهای بین مردم فلسطین و اسرائیل از ۲۵ ماه یونی و لبنان و اسرائیل از ۱۲ ماه ژوئیه هنگامیکه یک سرباز اسرائیلی توسط حماس و ۲ سرباز توسط حزب الله به گروگان گرفته شد، شروع شده است. اینها بیشرمانه

چشم خود را روی واقعیتها می بندند و به خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان خود هیچ گونه حرفی در مورد کشتار مداوم فلسطینیها در طول مدت ۳۹ سال توسط ارتش تا به ندان مسلح اسرائیل نمی گویند. شرکتهای رسانه ای و دول غربی برای سرپوش گذاشتن روی جنایات اسرائیل عاقدانه فراموش می کنند که در مورد این کشتارهای ارتش اسرائیل در شش ماهه سال ۲۰۰۶ که رقمی بیش از ۲۰۰ فلسطینی است و لا اقل نگاهی به کشتارمردم بی دفاع فلسطین توسط ارتش اسرائیل در چند هفته قبل از گروگانگیری سربازان اسرائیلی بیاندازند. ارتش اسرائیل در تاریخ ۸ ماه یونی رئیس سازمان امنیت دولت خودگردان فلسطین جمال ابوسمهادهان که تازه به این سمت انتخاب شده بود همراه با ۳ نفر از همکارانش را به قتل رساندند. در تاریخ ۹ یونی طی بمب باران موشکی ارتش اسرائیل تمامی یک خانواده ۷ نفری فلسطینی بجز دختر خردسالشان که در حال پیک نیک در ساحل بیت الاهییا بودند بقتل رسیدند و ۳۲ نفر دیگر که در میان آنها ۱۳ کودک خردسال دیده می شد را بشدت زخمی شدند.

در تاریخ ۱۱ ماه یونی هواپیمای نظامی اسرائیلی با شلیک موشکی در یکی از خیابانهای پر تردد نوار غزه ۱۱ نفر فلسطینی بعلاوه دو کودک خردسال را کشتند. در تاریخ ۲۰ یونی ۳ نوجوان فلسطینی توسط ارتش اسرائیل کشته شدند و ۱۵ نوجوان دیگر بشدت زخمی گردیدند و بالاخره ارتش اسرائیل در تاریخ ۲۱ یونی یک زن حامله فلسطینی همراه با برادرش را به قتل رساندند و ۱۱ نفر از جمله ۶ کودک دیگر را مجروح نمودند. برای شرکتهای رسانه ای و دولتمردان غربی این همه کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل بی ارزش و قابل ذکر نبوده و می بایستی عاقدانه فراموش گردد. این ها حاضر نیستند که کشتار چند روز قبل از به گروگان گرفته شدن سرباز اسرائیلی را بازگو و گزارش کنند و در این میان شرکتهای رسانه ای بی شرمانه با پوشاندن حقیقت کشتار مردم بی دفاع فلسطین توسط ارتش اسرائیل، نهایت سعی خود را می کنند که به افکار عمومی القاء کنند که عامل در گیریها حماس و حزب الله هستند و اسرائیل فقط از خود دفاع می کند.

بعنوان مثال نیویورک تایمز در سرمقاله خود در تاریخ ۲۹ ماه یونی حماس را مقصر و عامل اصلی در گیری می داند و می نویسد: "...اقدامات حماس عامل اصلی در گیری ها نوار غزه است..." و روزنامه واشنگتن پست در همین رابطه در سرمقاله خود در تاریخ ۱ ماه ژوئیه ۲۰۰۶ می نویسد: "...جنگ حماس، اقدام تروریستی و جنگ طلبانه این سازمان را نشان می دهد..." شروع تاریخ در گیریهای فلسطین و اسرائیل برای نیویورک تایمز و واشنگتن پست از روزی است که حماس سرباز اسرائیلی را به گروگان گرفته است. این ها مثل بقیه شرکتهای رسانه ای خیلی زیرکانه و آگاهانه از پرتاب موشک به مناطق یهودی نشین توسط حماس می نویسند و می خواهند با نادیده گرفتن کشتار مداوم مردم فلسطین طی ۳۹ سال توسط ارتش اسرائیل به خوانندگان خود چنان وانمود کنند که اقدام اسرائیل فقط اقدام دفاعی است. در هیچ جایی از سرمقالات این روزنامه ها از کشتار اخیر مردم فلسطین سخنی گفته نمی شود. اینها از اسیر شدن یک سرباز اسرائیلی توسط حماس و ۳ سرباز توسط حزب الله دادسختن می گویند و چشماتشان را روی ۹۰۰۰ زندانی فلسطینی- لبنانی با تعداد زیادی زن و کودک در زندانهای اسرائیل می بندند.

در این رابطه واشنگتن پست در سرمقاله خود می نویسد: "...جنگ طلبان در خواست تعویض زندانیان فلسطینی

که اسرائیل قانونا دستگیر کرده را با سربازی که در هنگام محافظت

از خاک اسرائیل ربوده شده است را دارند..." باید از این حضرات سوال کرد که چرا باید

ربودن نمایندگان قانونی مردم فلسطین و

کودکان و زنان توسط ارتش اسرائیل دستگیری قانونی خوانده می شود؟ چه کسی این حق را به ارتش اسرائیل و دولت اسرائیل داده است؟ روزنامه اسرائیلی هارتز در تاریخ ۲ ژوئیه ۲۰۰۶ در گزارشی تحت عنوان " آمریکا به اسرائیل هشدار داد که به حماس و مردم عادی آسیب نرساند" می نویسد: " کوشش های دیپلوماسی عمومی اسرائیل با هدف پشتیبانی رسانه های غربی برای اقدامات نظامی خود به ثمر رسید" این روزنامه ادامه می دهد " روزنامه نیویورک تایمز و واشنگتن پست در سرمقالات خود حماس را عامل اصلی بحران اخیر خواندند". از طرف دیگر آصف شاریو مشاور مطبوعاتی دولت اسرائیل در مصاحبه ای در اورشلیم پست (۶) در تاریخ ۱۷ ماه ژوئیه ۲۰۰۶ ضمن بیان این مهم که رسانه های غربی نظرات دولت و مقامات اسرائیلی را بیش از چهار برابر نظرات فلسطینی ها و لبنانی ها انتشار می دهند می گوید " در یک نظر سنجی که اسکای نیوز از بینندگان خود انجام داده حدود ۸۰ درصد از بیننده گان حمله اسرائیل به لبنان را تائید نموده اند... ما هیچ وقت شرایطی به این خوبی نداشته ایم. ماشین تبلیغات ما با روغن کاری خوب پیش می رود".

نوشتار و گزارشات منتشره در هارتز و اورشلیم پست خود بیانگر یک جانیه نگر رسانه های غربی هنگام گزارش دهی در مورد جنایات اسرائیل است. اگر شرکتهای رسانه ای واقعیت را آنطوری است به مردم گزارش دهند امکان ندارد که در نظر سنجی آنها ۸۰ درصد از بیننده گانشان کشتار مردم بی دفاع را تائید نمایند. اینها به عمد کشتار مردم کودکان و زنان و تخریب خانه های آنها بر سرشان را از دید بیننده گان غربی خودپندور نگه می دارند. ارتش اسرائیل در بمباران اخیر خود درقانا در جنوب لبنان بیش از ۵۰ نفر را کشت که در بین آنها بیش از ۳۰ کودک دیده می شد ولی شرکتهای رسانه ای علیرغم عمق فاجعه بعناوین مختلف سعی می کنند که نظرات توجیه کننده ی سران اسرائیل مبنی بر اینکه مقصر اصلی حزب الله است چرا که خود را در مناطق مسکونی و در بین مردم عادی قایم می شوند، را همچنان پخش و رله کنند. در همین رابطه سایت اینترنتی سوسیالیست های جهان (۷) نظری به برخوردهای روزنامه ها و تلویزیون های آمریکایی انداخته و با هم بخشی از آن را مرور می کنیم.

روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: " اسرائیل می گوید که حمله به قانا در واقعه حمله به جنگجویان حزب الله بود چرا که آنها از این منطقه برای پرتاب موشک به سوی اسرائیل استفاده می کردند، اما این خرابی بر اثر انفجار مواد منفجره قایم شده حزب الله در ساختمان بوده که ساختمان را بر سر مردم عادی که فکر می کردند این ساختمان محل امنی است و شب را در زیر زمین آن می گذراندند خراب کرد و باعث کشته شدن آنها شد. اسرائیلی ها می گویند که این امکان وجود دارد که مواد منفجره قایم شده در ساختمان ساعتها بعد از حمله منفجر شده است". باید از نویسندگان این مطلب سوال نمود که چرا شما کاسه داغتر از آتش می شوید. واشنگتن پست در این مورد می نویسد: " بنا به اظهارات مقامات لبنانی هواپیمای اسرائیلی یک سری از خانه های مسکونی را در جنوب لبنان بمب باران کردند که در این بمب باران دوچین از مردم که بیشتر آنها زنان و کودکان بودند را کشت. ارتش اسرائیل می گوید که هدف این حمله از بین بردن سکوهای پرتاب موشکی حزب الله در نزدیکی این ساختمان بوده، ما مردم عادی را هدف قرار ندادیم". آیا کشتن بیش از ۷۵۰ نفر از مردم عادی در نقاط مختلف لبنان را ارتش اسرائیل انجام نداده است؟

سی ان ان در برنامه خود در این مورد از قول خبرنگاران خود در منطقه تونی هریس و بتی انگوین، بعد از پخش خبر، تونی هریس چنین می گوید: "اسرائیل می گوید که حزب الله از این ساختمان بعنوان سکوی پرتاب موشک استفاده می نموده است. یک مقام ارتش اسرائیل این منطقه را ناحیه جنگی خواند و گفت که ما به مردم عادی لبنان گفته بودیم که از منطقه خارج شوند. علیرغم اینها وزیر دفاع اسرائیل دستور تحقیق در باره حمله را صادر نمود". البته سی ان ان، فوکس، ان بی سی نهایت سعی خود را برای وارونه جلوه دادن حقیقت به نفع اسرائیل کردند و در این رابطه علاوه بر پخش نظرات سران دولت اسرائیل از سیاستمداران و افسران بازنشسته ارتشی طرفدار اسرائیل هم استفاده نمودند.

البته این یک جانیه نگر شرکتهای رسانه ای به چند روزنامه آمریکایی و چند کانال تلویزیونی خلاصه نمی شود بلکه گزارشات همگی شرکتهای رسانه ای، دولتی و نیمه دولتی دنیای غرب در این باره یک جانیه و به نفع اسرائیل بوده و خواهد بود. گروه تحقیقات رسانه ای دانشگاه گلاسکو نتیجه تحقیقات خود در مورد چگونگی برخورد و گزارش دهی رسانه های انگلیسی در درگیریهای اسرائیل و فلسطین در یک گزارش (۸) تحت عنوان " خبرهای بد از اسرائیل" منتشر کرده است. این تحقیقات اخبار و گزارشات منتشر شده از طرف کانال یک بی بی سی و ای تی وی نیوز از شروع انتقاضه را مورد بررسی قرار داده است. گروه تحقیقات دانشگاه گلاسکو ۲۰۰ برنامه اخبار و مصاحبات منتشر شده از طرف این دو رسانه را بدقت مطالعه و مورد تحقیق قرار داده و در این رابطه با ۸۰۰ نفر گفتگو و مصاحبه نموده است. این تحقیقات به خوبی شیوه و طرق یک جانیه نگر این رسانه ها در هنگام گزارش دهی در مورد در گیریهای بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها را بطور آشکار برملا می کند. در نتیجه این تحقیقات از جمله می خوانیم که اخبارهای منتشر شده توسط تلویزیون در رابطه با درگیریهای بین اسرائیل و فلسطین، بخاطر

یک جانیه نگری و پخش بی رویه نظرات دولت اسرائیل و سرپوش گذاشتن در معرفی اساس اختلاف دولت اسرائیل و مردم فلسطین، بیننده گان خود را گیج کرده و به آنها چنان القا می کنند که عامل درگیریها فلسطینی ها بوده و اسرائیل فقط از خود دفاع می کند. در اینجا بخشهایی از نتایج این تحقیقات را باهم مرور می کنیم: "

۱- برتری چشم گیر پخش "نظرات رسمی دولت اسرائیل" بخصوص در کانال یک بی بی سی از نظرات و مصاحبه های مقامات اسرائیلی دوبرابر نظرات فلسطینی ها است. بعلاوه این رسانه ها نظرات مقامات و سیاستمداران آمریکایی که از مواضع اسرائیلی ها دفاع می کنند را بطور بسیار قوی در این رسانه هامنعکس می نمایند. در واقع نظرات این بخش از دولت مردان آمریکایی پیش از سیاستمداران دیگر کشورها حتی خود انگلستان پخش می گردد.

۲- اخبارها و گزارشات تلویزیونی بطور مثال در مورد تاریخ و منشاء درگیریها هیچگونه اطلاعاتی به شنونده گان خود نمی دهند. معمولا اطلاعات بیشتر بیننده گان در مورد این درگیریها اطلاعاتی است که این تلویزیونها به آنها می دهند...بیشتر شنوندگان اطلاعی در مورد اینکه اسرائیل بزور فلسطینی ها را در سال ۱۹۴۸ از خانه و کاشانه خود بیرون رانند، ندارند. آنها نمی دانند که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ بزور بخشهاییکه فلسطینی ها در آنجا بصورت پناهنده زندگی می کردند را اشغال نمود. بیشتر آنها هیچگونه اطلاعی در مورد اینکه فلسطینی ها زیریوغ ارتش اسرائیل زندگی کرده و اسرائیل بخشهای کلیدی اقتصاد فلسطینی ها مانند آب و غیره را در دست داشته و از چگونگی اثرات مخرب این بر روی اقتصاد فلسطین چیزی نمی دانند. مسکوت گذاشتن و ندادن اطلاعات در مورد این وقایع در اخبار منتشر شده باعث سرگیجی واغتشاش فکری بیشتر شنوندگان شده بطوریکه بیشتر آنها حتی قادر نیستند که بدانند که "چه کسی چه بخشی را اشغال" نموده است. بعضی از شنوندگان از اخبارهای داده شده چنین برداشت کرده اند که "اشغال کردن" یعنی کسی یک تکه زمین را (مثل یک حمام) اشغال کرده است و آنها فکر می کنند که فلسطینی ها اشغالگران هستند. تعداد زیادی از شنوندگان به این باورند که این اختلافات و جنگها درگیریهای مرزی بین دو کشور است.

۳- نادیده گرفتن بخش تاریخی بیرون راندن فلسطینی ها از خانه و کاشانه خود و منشاء مشکلات در اخبار و گزارشات اینطور برای شنوندگان تداعی می شود که در گیریها با اقدامات فلسطینی ها شروع شده و این فلسطینی ها هستند که منشاء در گیریها هستند. اخبار تلویزیون اقدامات اسرائیلی ها را چنان با تصویر توضیح و تشریح می کنند و در بیشتر موارد اینطور تصویر می شود که اقدامات اسرائیل فقط "عکس العملی" است به اعمالی که فلسطینی ها بر علیه آنها انجام داده اند..... این شیوه برخورد آشکارا روی بیننده گان اثر خود را گذاشته بطوریکه در بیشتر موارد آنها فلسطینی ها را عامل درگیری می دانند...

۴- معمولا تاکیدهای بسیار شدیدی روی کشته های اسرائیلی در مقایسه با کشته های فلسطینی در اخبار می شود.... از این گذشته شیوه بیان و استفاده از زبان در اخبار توسط خبرنگاران در هنگام گزارش دادن در مورد اسرائیل و فلسطین کاملا متفاوت می باشد، استفاده از کلمات مانند "قساوت، بیرحمی"، "کشتار وحشیانه"، "کشتار دستجمعی"، "کشتار وحشی و سبانه"، "زجر کشی"، "قتل و عام" برای کشته شدگان اسرائیلی مورد استفاده قرار می گیرد. معمولا خبرنگاران کلمه تروریست را برای معرفی فلسطینی ها مورد استفاده قرار می دهند، اما برای معرفی بعنوان مثال گروه اسرائیلی که قصد بمب گذاری در یک مدرسه فلسطینی را داشت همین خبرنگاران از لفظ "بنیادگرا" و یا "متعصب مذهبی" استفاده می شود." (۹)

نتایج تحقیقات گروه رسانه ای دانشگاه گلاسکو هر چند مختص به در گیریهای اخیر در نوار غزه و یا لبنان نیست ولی خود بیانگر و افشاء کننده یک شیوه نگارش و برخورد جانبدارانه رسانه های انگلیسی است که بی شک در مورد کلیه رسانه ها چه شرکتهای رسانه ای، چه دولتی و چه نیمه دولتی غربی کاملا صدق می کند. این شیوه نگارش و گزارش دهی شرکتهای رسانه ای، دولتی، نیمه دولتی غربی در مورد در گیریهای اخیر همانطوریکه در این نوشتار نشان داده شد هدفی جز مخدوش کردن حقایق به نفع اسرائیل نداشته و ندارند و در واقع اینها همین روش را در حال حاضر هم استفاده می کنند. اسرائیل نیمی از لبنان را به خرابه تبدیل نموده، تعداد زیادی از مردم بی دفاع و غیر نظامی را کشته است، هزاران نفر از مردم را زخمی نموده و حدود ۷۰۰۰۰۰ از مردم را آواره نموده است بنا به گزارش دیده بانی حقوق بشر اسرائیل از بمب های خوشه بر علیه مردم عادی استفاده نموده و رئیس جمهور لبنان تا بحال دو بار اعلام نموده است که اسرائیل از سلاحهای ممنوعه از بمب های آتش زا سفری بر علیه مردم بی دفاع استفاده نموده است، آتوقت شرکتهای رسانه ای، رسانه های دولتی و نیمه دولتی غربی همگی آگاهانه سعی شان بر این است که تاریخچه چند دهه ای اشغال فلسطین را فراموش کنند و اینطور وانمود نمایند که این حماس و یا حزب الله لبنان است که مقصر است و اقدام اسرائیل فقط اقدامی تلافی جویانه می باشد. این ها حتی در مورد عکس العمل و تظاهرات مردمان صلح دوست جهان در اقصی نقاط دنیا بر علیه تجاوزات اسرائیل بر علیه مردم فلسطین و لبنان تا آنجا که امکان داشته باشد سکوت اختیار کرده و از گزارش دادن آن آگاهانه چشم پوشی می کنند.

حملات ددمنشانه ارتش اسرائیل به مناطق مسکونی لبنان باعث آوارگی و بی حائمانی ۷۰۰۰۰۰ نفر از مردم لبنان شده است ولی شرکتهای رسانه ای در هنگام گزارش دادن آنرا جابجانی می خوانند. چراکه اگر لفظ آوارگی را بکار برند یعنی نقض آشکار تمامی کنوانسیونهای جهانی و آزمون بایستی در برابر اسرائیل برای این اقدام ضد انسانی موضع بگیرند و اینکار برای شرکتهای رسانه ای غیرممکن است، و از این بابت اینها از واژه من درآوردی و خود ساخته جابجانی استفاده می کنند، یکی نیست که از اینها سوال کند که چرا جابجانی؟ علت این جابجانی چیست؟ آیا این نیم میلیون مردم بدلخواه خود این جابجانی را انتخاب کرده اند؟ عکس العمل شرکتهای رسانه ای را در همین یک مورد با برخوردی که اینها در رابطه با کوسوو و یوگسلاوی انجام دادند را با برخورد فعلی آنها در رابطه با آوارگان لبنانی مقایسه کنید. در مورد کوسوو هر لحظه از مردم رانده شده از خانه و کاشانه خود بدلیل بمب بارانهای ناتو گزارش تهیه کرده و آنها را بعنوان آواره گان که توسط ارتش یوگسلاو از خانه وکاشانه خود رانده شده اند بخورد مردم می داند، چرا که در آن زمان وظیفه آنها ایجاد جو مناسب برای قتل عام مردم بی دفاع یوگسلاو توسط ناتو بود و می بایستی دلیلی هر چند ساختگی برای آن جنایات ناتو می ساختند ولی درمب باران اخیر لبنان اینها حتی حاضر به اطلاق درست نام آواره به ۷۰۰۰۰۰ نفر توسط ارتش اسرائیل نیستند و بجای آن از لفظ جابجانی استفاده می کنند. برخورد شرکتهای رسانه ای، رسانه های دولتی و نیمه دولتی غربی در مورد حمله اسرائیل به نوار غزه و لبنان به خوبی نشان داد که اینها ماسک بی طرفی که همیشه سعی می کردند پشت آن قایم شوند را بیشرمانه دریده و تا آنجا که توانسته اند در گزارشات خود یک جانیه نگریسته و نظرات دولت اسرائیل و سران دول غربی و آمریکا را بجای واقعیت بخورد مردم داده و می دهند.

زیرنویس :

1- [http://www.hasteh.com/views/r\\_views/media\\_company1.pdf](http://www.hasteh.com/views/r_views/media_company1.pdf)

۲- <http://globalresearch.ca/index.php?context=viewArticle&code=20060720&articleId=2780>

۳- <http://www.hrw.org/>

۴- <http://www.hrw.org/english/docs/2006/07/20/lebanol3779.htm>

۵- <http://www.zmag.org/>

۶- <http://www.jpost.com/servlet/Satellite?c=JPArticle&cid=1150886020429&pagename=JPost%2FJPArticle%2FShowFull>

۷- <http://www.wsws.org/articles/2006/jul2006/medi-j31.shtml>

۸- <http://www.gla.ac.uk/departments/sociology/units/media/israel.htm>

۹- همان منبع